

در دهه های اخیر در جوامع غربی تلاش گسترده ای برای طبیعی جلوه دادن تمایل به جنس موافق آغاز شده است تا قبح این عمل شنیع را در افکار عمومی جهان -که غالباً ضد آن است- با سوء استفاده از علوم پزشکی و توجیه متون مذهبی بپوشانند. در این مقاله بر آنیم تا این موضوع را از دیدگاه اسلام، مسیحیت و علوم پزشکی بررسی کنیم.

همجنسگرایی

حقایق پنهان ادعای تمایل به جنس موافق

گروه تحقیق و مطالعه پدر مهربان؛ پژوهشکده مسیحیت

چکیده:

در دهه های اخیر در جوامع غربی تلاش گسترده ای برای طبیعی جلوه دادن تمایل به جنس موافق آغاز شده است تا قبح این عمل شنیع را در افکار عمومی جهان - که غالباً ضد آن است - با سوء استفاده از علوم پزشکی و توجیه متون مذهبی بپوشانند. در این مقاله بر آنیم تا این موضوع را از دیدگاه اسلام، مسیحیت و علوم پزشکی بررسی کنیم.

ابتدا به اختصار بررسی ای خواهیم داشت از بیان قرآن و روایات معصومین علیهم السّلام درباره تعلیم دهنده این عمل زشت به انسان ها و سرنوشت اولین مردمانی که مرتکب این گناه بزرگ شدند... سپس به مجازات این عمل در قانون عهدین اشاره خواهیم کرد.

سپس این موضوع را از منظر علم پزشکی بررسی می کنیم که متأسفانه در دنیای امروز تبدیل به ابزاری در دست رسانه های مغرض برای طبیعی جلوه دادن این ضدهنجار شده است و در این خصوص نمونه هایی ارائه خواهیم کرد از تحقیقات به اصطلاح علمی ای که توسط دانشمندان دیگر زیر سؤال رفته است و از لحاظ روش ناصحیح شناخته شده لیکن بوسیله رسانه ها و توسط برخی پزشکان و روانپزشکان و روانشناسان نادان یا مغرض به مردم دنیا به عنوان تحقیقات علمی و مدرک و سند عرضه شده است!...

لری هوستون Larry Houston در مجموعه نوشتارهایی با عنوان "Behavior, and Not a Person" مکتوباتی از دانشمندان مختلف گردآوری کرده و ثابت نموده است که مدعیان تمایل به جنس موافق (هجگ) افرادی هستند که با اختیار خود این رفتار ناهنجار را برمی گزینند و نه اینکه از لحاظ ژنتیک اینگونه باشند یعنی جنس دیگری متفاوت از مرد یا زن باشند.

در انتها اشاره ای خواهیم داشت به معلولیت جنسی بسیار نادری که مرتکبان به این گناه بزرگ از آن سوء استفاده می کنند. به هر حال، در نهایت خواهیم دید که در دین الهی به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی به غیر از ارتباط طبیعی و شرعی بین زن و شوهر هیچ ارتباط دیگری جایز نیست و هیچ شرایطی موجب نمی شود این گناه بزرگ و چنین اعمال غیرطبیعی و حرام و شیطانی مجاز شمرده شود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در دهه های اخیر تلاشی در جوامع غربی آغاز شده است تا تمایل به جنس موافق (هجگ) را طبیعی جلوه دهد و قبح این عمل را در افکار عمومی جهان - که غالباً ضد آن است - با سوء استفاده از علوم پزشکی و توجیه متون مذهبی بپوشاند. در این مقاله بر آنیم تا این موضوع را از دیدگاه اسلام، مسیحیت و علوم پزشکی بررسی کنیم. در ابتدا شایان تذکر است در حدیثی از امام باقر علیه السلام، که در آن سرگذشت قوم لوط بیان شده، آمده است که **این عمل زشت و پلید اولین بار مستقیماً توسط ابلیس به قوم لوط آموخته شد.**^۱ قرآن کریم به صراحت این گناهکاران را مورد سرزنش قرار می دهد. در قرآن کریم آمده است حضرت لوط علیه السلام خطاب به قوم خود فرمودند:

"أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (*) وَ تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (*)"

آیا از میان مردم جهان با مردها درمی آمیزید؟ و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده وا می گذارید؟ بلکه شما مردمی تجاوزکارید.^۲ و فراموش نکنیم:

"تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (*) وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (*)"

اینها احکام خداست. هر کس از خدا و پیامبرش فرمان برد، او را به بهشت هایی که در آن نهرها جاری است درآورد و همواره در آنجا خواهد بود و این کامیابی بزرگی است. و هر که از خدا و رسولش فرمان نبرد و از احکام او تجاوز کند، او را داخل در آتش کند و همواره در آنجا خواهد بود و برای اوست عذابی خوارکننده.^۳

در احادیث متعددی از جمله از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمودند: **"لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر چنین مردمانی باد."**^۴

معصومین علیهم السلام از جمله امیرالمؤمنین و امام رضا علیهما السلام صراحتاً مجازات مرگ را برای اینگونه افراد دستور داده اند.^۵

یقیناً بنا بر تعالیم قرآن کریم و محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین این عمل حرام است و در فقه شیعه مجازات های شدیدی از جمله کشته شدن برای اینگونه افراد در نظر گرفته شده است.

^۱ - ثواب الاعمال ص ۲۶۴ و ...

^۲ - سوره شعراء، آیات ۱۶۵ و ۱۶۶

^۳ - سوره نساء(۴)، آیات ۱۳ و ۱۴

^۴ - میزان الحکمه ج ۸ ص ۵۳۹

^۵ - مستدرک الوسائل ج ۱۸ ص ۸۲؛ فروع کافی، کتاب الحدود، باب حد اللواط، حدیث ۵؛ تهذیب، کتاب الحدود، حد اللواط حدیث ۲؛ ارشاد القلوب ج ۲ ص ۴۰۲ و ...

در عهد عتیق از مجموعه کتاب مقدس- که مورد قبول یهودیان و مسیحیان است- و در عهد جدید از کتاب مقدس- که مورد قبول مسیحیان است- آشکارا ارتکاب این عمل تقبیح شده و حتی مجازات مرگ برای آن ذکر شده است به عنوان نمونه:

در عهد عتیق:

و با ذکور مثل زن جماع مکن، زیرا که این **فجور** است.^۶
و اگر مردی با مردی مثل با زن بخوابد هر دو **فجور** کرده‌اند. **هر دو ایشان البته کشته شوند. خون ایشان بر خود ایشان است.**^۷

و داستان **هلاکت قوم لوط** در سفر پیدایش باب ۱۹

در عهد جدید:

از این سبب خدا ایشان را به هوس های خباثت تسلیم نمود، به نوعی که زناشان نیز عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است تبدیل نمودند. و همچنین مردان هم استعمال طبیعی زنان را ترک کرده، از شهوات خود با یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال زشت شده، **عقوبت** سزاوار تقصیر خود را در خود یافتند.^۸
و همچنین سدوم و غموره و سایر بلدان نواحی آنها مثل ایشان چونکه زناکار شدند و در پی بشر دیگر افتادند [لوا ط]، در عقوبت آتش ابدی گرفتار شده، بجهت عبرت مقرر شدند.^۹

آیا نمی دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی شوند؟ فریب مخورید، زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و متنعمان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.^{۱۰}

یقیناً بنا بر تعالیم کتاب مقدس و حضرت موسی و عیسی علیهما السلام این عمل حرام است و مجازات های شدیدی از جمله کشته شدن برای اینگونه افراد در نظر گرفته شده است.

لیکن بسیاری از پیروان کتاب مقدس (عهدین) در ظاهر این عمل را حرام دانسته اند اما خود مرتکب آن بوده اند؛ داستان های کشیش های کاتولیک که به فرمان پولس غاصب از ازدواج با زنان خودداری کرده لیکن آلوده به این عمل شنیع هستند زبان زد عام و خاص است.

انسان های تابع هوی و هوس یا در خفا آلوده به این گناه هستند یا اینکه آشکارا به توجیه این عمل می پردازند و **نه تنها آن را منع نمی کنند بلکه آن را نمونه ای از عشق می دانند.** برای مثال برخی مسیحیان با وجود صراحت کلام خدا بر حرام بودن چنین عملی آن را حلال کرده اند تا جایی که امروزه کلیساهای متعددی وجود دارند که هم کشیش های آن و هم جماعت آن آشکارا آلوده به این گناه هستند و **نه تنها منع نمی شوند بلکه تشویق هم می شوند و به این عمل خود افتخار نیز می کنند.**

^۶- سفر لاویان باب ۱۸ جمله ۲۲

^۷- سفر لاویان باب ۲۰ جمله ۱۳

^۸- رومیان باب ۱ جملات ۲۶ و ۲۷

^۹- رساله یهودا باب اول عبارت ۷

^{۱۰}- رساله به قرنتیان اول باب ۶ عبارت ۹ و ۱۰

ناگفته‌هایی از عمل تغییر جنسیت

یکی از ابزارهای توجیه این گناه در دنیای امروز علم پزشکی ست که در اینجا به اجمال به بررسی آن خواهیم پرداخت.

لری هوستون^{۱۱} در مجموعه نوشتارهایی با عنوان "يك رفتار و نه يك فرد"^{۱۲} مکتوباتی از دانشمندان مختلف گردآوری کرده و ثابت نموده است که مدعیان تمایل به جنس موافق (هجگ) افرادی هستند که با اختیار خود این رفتار ناهنجار را برمی‌گزینند و نه اینکه از لحاظ ژنتیک اینگونه باشند یعنی جنس دیگری متفاوت از مرد یا زن باشند. او در عبارتی چنین می‌گوید: "زمانی به هجگ به عنوان يك گناه نگریده می‌شد... سپس يك جنایت... سپس در اثر فشار گروه‌های مختلف به عنوان يك بیماری جلوه داده شد... و اينك يك هویت سیاسی شده است. لیکن درحالی که هم اکنون هجگ در برخی جوامع تا حدی تحمل می‌شود هیچ فرهنگ و جامعه‌ای هرگز آن را نپذیرفته است."

نمونه‌ای از مجموعه لری هوستون به قرار زیر است:

لری هوستون از کتاب ساختار اجتماعی جنسیت^{۱۳} که حاوی نتایج آمارگیری مؤسسه معتبر "آمارگیری سلامت ملی و زندگی اجتماعی"^{۱۴} در امریکاست نقل کرده است که در امریکا جمعیت زنان با این رفتار ناهنجار حدود يك درصد و مردان حدود دو درصد است. در یکی از دعاوی معروف دیوان عالی کشور امریکا که بزرگترین و مشهورترین گروه‌های حامی چنین رفتارهای ناهنجاری در آن دخیل بودند از آمار ارائه شده در این کتاب رسمی استفاده شد. سپس لری هوستون نتیجه می‌گیرد: اعتراف به چنین ارقامی از طرف این گروه‌ها در دفاعیه دادگاهی‌شان در تضاد مطلق است با دروغ‌پردازی و افسانه‌بافی مشهوری که سال‌هاست ادعا نموده است که ده درصد جمعیت امریکا هجگ هستند...

محقق و دانشمند دیگری به نام کمیل پجیلا^{۱۵} در وسوس و بدکاران^{۱۶} می‌گوید: آمار ده درصدی‌ای که بی‌شمارانه توسط رسانه‌ها مکرر تکرار می‌شود پروپاگاندا محض است و من‌را- به عنوان يك دانشمند- از فعالان هجگ- به این دلیل که بی‌پروایانه به حقایق بی‌اعتنایی می‌کنند- متنفر می‌سازد. دروغ‌پردازی‌ها و افسانه‌بافی‌های آنان در مورد شواهد علمی ژنتیک بودن هجگ همچنان ادامه دارد.^{۱۷}

¹¹ - Larry Houston

¹² - Behavior, and Not a Person

¹³ - The Social Organization of Sex: Sexual Practices in the United States

¹⁴ - National Health and Social Life Survey (NHSLs)

¹⁵ - Camille Paigila

¹⁶ - Vamps & Tramps

¹⁷ - Paigila, Vamps & Tramps, p. 74

مرکز کنترل بیماری آمریکا^{۱۸} در ۱۵ مارس ۲۰۱۳ اعلان کرد که آمار ابتلا به ویروس اچ آی وی^{۱۹} برای مردان هجگ رو به افزایش است در حالیکه دیگر ابتلاها (مثلاً از طریق سوزن آلوده...) به شدت در حال کاهش است. این مرکز اعلان کرده است: در حالیکه فقط ۲ درصد جمعیت مردم آمریکا مردان هجگ هستند ۶۲ درصد ابتلا به ویروس اچ آی وی مختص مردان هجگ می باشد. با توجه به این نکته که این آمار در سال ۲۰۰۶، ۵۶ درصد بود.

بسیاری از دانشمندان بر این عقیده هستند که اساساً همین تعداد کم هجگ ها نیز تحت تأثیر مسائل روانی، اجتماعی و ... به اینگونه گرایش های ناهنجار متمایل می شوند؛ گرایش هایی که برخلاف تبلیغات پر زرق و برق رسانه های غربی و تحقیق نماهای گروهی از دانشمندان هجگ منشأ ژنتیک یا امثال آن ندارد.

دانشمندان بسیاری از جمله کینسی، پامروی و مارتین^{۲۰} در کتابشان^{۲۱} صفحه ۶۳۹ بر این حقیقت پافشاری می کنند که هجگ یک جنسیت متمایز نیست: در جامعه مردان دو جنس متمایز یکی هجگ و دومی نرمال (متمایل به جنس دیگر (دجگ)) وجود ندارد. همچنین در صفحه ۶۴۷ می گویند: توصیف هجگ به عنوان یک جنسیت سوم هیچ واقعیتی ندارد.

دانشمند دیگری به نام رابرت نایت^{۲۲} چنین می گوید: از اوایل دهه ۱۹۹۰ فعالان هجگ این ادعا را مطرح کردند که هجگ علت هورمونی یا ژنتیک دارد. تعداد انگشت شماری تحقیقات - که بعد از مدتی افشا شد هیچ یک از آنان هرگز تکرار علمی نشدند و همه آنها با روش های نادرست و مشتبه بودند - گرایش های جنسی را مرتبط با بسیاری از چیزها از جمله ژن و تفاوت در بخش هایی از مغز و ... جلوه دادند.

در این میان پروفیسور روانپزشکی دانشگاه کلمبیا دکتر رابرت اسپیتزر^{۲۳} نمونه ای از تحقیقاتش را در اکتبر ۲۰۰۳ در نشریه آرشیوهای رفتار جنسی^{۲۴} چاپ کرد. او گفت که افراد می توانند گرایش خود را از هجگ به دجگ تغییر دهند. او بیش از ۲۰۰ نفر را که اکثر آنان اعتراف کردند که با مشاوره درمان جبرانی^{۲۵} گرایش آنان از هجگ به دجگ بازگشت مورد مطالعه قرار داد.

¹⁸ - CDC :Center for Disease Control

¹⁹ - HIV

²⁰ - Kinsey , Pomeroy & Martin

²¹ - S e x u a l Behaviour in the Human Male

²² - Robert Knight

²³ - Robert Spitzer

²⁴ - Archives of S e x u a l

²⁵ - reparative therapy counseling

در می ۲۰۰۰ مؤسسه روانپزشکی امریکا^{۲۶} يك برگه اطلاعاتی را به قرار زیر صادر نمود: امروزه رغبت دوباره ای جهت یافتن اسباب بیولوژیک برای هجگ وجود دارد. اما تا کنون هیچ تحقیق علمی تکرار شده ای که سبب بیولوژیک خاصی را برای هجگ پشتیبانی کند وجود ندارد.

دکتر جفری ستینور^{۲۷} دانشمند دیگری در کتابش با عنوان "هجگ و سیاست حقیقت"^{۲۸} چنین می نویسد: ما در آینده دروغ بودن این ادعای تکرار شده فعالان هجگ را که می گویند "هجگ تغییر ناپذیر است" در خواهیم یافت. آنان درصدد ایجاد این گمان هستند که علم مسأله هجگ را حل کرده است اما بی تردید علم چنین نکرده است. در عوض تغییر دیدگاه -چه در فرهیختگان و چه در عامه مردم- صرفاً ناشی از سیاست، فشار و تبلیغات است.

در اکتبر ۲۰۰۳ نشریه علمی تحقیق مولکولی مغز^{۲۹} تحقیقی را از محققان UCLA دانشگاه لوس آنجلس در کالیفرنیا منتشر کرد که ادعای ژنتیک بودن هویت جنس ی را می کرد. تعدادی از رسانه ها موضوع تحقیق آنان را با آب و تاب در دستور کار خود قرار دادند تا این گمان را ایجاد کنند که این تحقیق گواه دیگری ست بر تأیید نظریه ژنتیک بودن هجگ. اما نکته اینجاست که این تحقیق به هیچ وجه صحبت از هجگ نکرده بود.

در اینجا ارزیابی پروفیسور دانشگاه پرینستون^{۳۰} دکتر جفری ستینور ارائه می شود: این تحقیق يك تحقیق قابل قبول از علوم پایه است و آنچه دانشمندان ژن شناس مدتها می دانستند را تأیید می کند: محیط هورمونی که سبب تمایز بین مرد و زن می شود -چه در موش ها و چه در انسان ها- توسط ژن ها تعیین می گردد. این نتیجه اساساً چیز عجیب و جدیدی نبود. اما این تحقیق به هیچ وجه صحبتی از هجگ نکرده بود؛ هر کس که ادعا کند این تحقیق ربطی به هجگ داشته است یا در مورد علوم ژنتیک اطلاعات صحیحی ندارد یا دانسته از دانش علمی و اعتبارش در خدمت سیاست سوء استفاده می کند؛ همانگونه که ژن شناس های زمان اتحاد جماهیر شوروی مانند لسنکو^{۳۱} یا با این امید خام که تحریف حقیقت می تواند جامعه ای بهتر ایجاد کند یا از نگرانی به خطر افتادن آینده شغلی شان چنین می کردند. در هر صورت این افراد باید شدیداً توبیخ شوند.

دکتر سیمون لوی^{۳۲} در نشریه علوم، تحقیقی را منتشر ساخت که اشاره به تفاوت هایی در يك ساختار مغزی به نام هیپوتالاموس داشت. وی ۳۵ مرد -۱۹ هجگ و ۱۶ دجگ- را مورد مطالعه قرار داد. لوی دریافت که هیپوتالاموس دجگ ها بزرگتر از هجگ ها بود. او نتیجه گرفت که "گرایش جنسی يك زمینه بیولوژیک دارد". رسانه ها این تحقیق را با آب و تاب در صفحات اول خود و در تلویزیون و رادیو از شرق تا غرب آمریکا منتشر

²⁶ - American Psychiatric Association

²⁷ - Dr. Jeffrey Satinover

²⁸ - HS and the Politics of Truth

²⁹ - Molecular Brain Research

³⁰ - Princeton

³¹ - Lysenko

³² - Dr. Simon LeVay

ساختند علیرغم این حقیقت که خود لوی اعتراف کرد: تأکید بر این نکته مهم است که من ثابت نکردم که هجگ ژنتیک است و یک ژن هجگ در انسان نیافتم. ما نمی دانیم تغییراتی که من یافتم آیا در زمان تولد وجود داشته یا بعدها بوجود آمده است.

علاوه بر این، تحقیقات لوی مشکلات فراوانی داشت. برای نمونه هر ۱۹ فرد هجگ مورد مطالعه ی لوی در اثر عوارض ایدز از دنیا رفتند. تفاوت در هیپوتالاموس ها به احتمال زیاد در اثر واکنش های شیمیایی مغز به ایدز بوده است.

دکتر باین^{۳۳} در نشریه علمی امریکایی^{۳۴} در این مورد بحث می کند: اینکه لوی تعداد اندکی از مردان دجگ مبتلا به ایدز را در مطالعه خود قرار داده بود به خوبی این نکته را نشان نداد که: تمامی مردانی که ایدز دارند در زمان نزدیکی به مرگ سطح تستوسترون آنها در اثر ایدز یا عوارض جانبی درمان ها به صورت قابل ملاحظه ای پایین می آید. در نتیجه محتمل است که تفاوت اندازه هیپوتالاموس که لوی به گرایش جنسی نسبت داد در واقع در اثر ناهنجاری های هورمونی مربوط به ایدز بوده باشد.

علاوه بر این، ۶ نفر از دجگ ها نیز در اثر ایدز مردند. خود لوی بعدها اعتراف کرد که مطمئن نبود که واقعاً آنها دجگ بودند؛ با توجه به این نکته که تعداد اندکی مردان دجگ در سانفرانسیسکو در آن زمان مبتلا به ایدز بودند و هنوز نیز چنین است.

لوی خود یک هجگ است. او اعتراف کرد که انگیزه دیگری غیر از مطالعه علمی برای انجام این تحقیق داشت: به نظر او مردم امریکا باید متقاعد شوند هجگ بیولوژیک است [چه از لحاظ علمی ثابت شود چه نشود]. او می گوید که باید اجتماع را تربیت کرد و در ادامه می گوید که این موضوع دیدگاه های حقوقی و مذهبی را تغییر خواهد داد.

روانشناس دانشگاه کالیفرنیا در برکلی^{۳۵} مارک بریدلاو^{۳۶} تحقیقی منتشر کرد که نشان می داد فعالیت های جنسی در موش ها جوانب ساختاری پایه مغز -در محل اتصال به ستون فقرات- را تغییر می دهد. او می گوید: این یافته ها آنچه را ما از لحاظ تئوریک می دانستیم به ما ثابت می کند و آن این است که تجربیات جنسی می تواند مانند ژن ها ساختار مغز را تغییر دهد. او ادامه می دهد که فقط به دلیل اینکه تفاوت ساختاری در مغز یافت می شود نمی توان فرض کرد مسبب آن ژن ها بوده اند؛ ما نمی دانیم این تغییرات از کجا بوجود آمده اند.

³³ - Dr. Byne

³⁴ - *Scientific American*

³⁵ - Berkeley

³⁶ - Marc Breedlove

فراموش نکنیم که چنانچه پیشتر اشاره شد علاوه بر ژن ها و فعالیت های جنسی، داروها و درمان ها نیز می توانند ساختار مغز و اعضای بدن و ترشحات هورمونی و ... را تغییر دهند. بنابراین دانشمندان تأکید دارند که یافتن هر تغییری الزاماً دال بر منشأ ژنتیک داشتن آن تغییر نمی باشد.

تحقیق دیگری که رسانه ها به شدت به آن پرداختند تحقیق دکتر هیمر^{۳۷} بود. نکته قابل توجه این است که هیمر زمانی مصاحبه با خبرنگاران را پذیرفت که آنان قبول کردند هجگ بودن او را فاش نکنند. تحقیق هیمر به گونه ای ارائه شد که یک زنجیره یکسان (Xq28) در اکس کروموزوم برادران هجگ مورد تحقیق او وجود داشت در حالیکه در واقع آنچه او یافت زنجیره های یکسان در همه برادران مورد تحقیق او (چه هجگ چه دجگ) بود. دقت کنیم آنچه که خبرنگاران و رسانه ها بر آن تأکید کردند یکسانی زنجیره اکس کروموزوم صرفاً برادران هجگ بود در حالیکه همین یکسانی در برادران دجگ نیز وجود داشت.

دکتر باین^{۳۸} علیه این تحقیق هیمر اینگونه استدلال می کند که هیمر می بایست زنجیره اکس کروموزوم Xq28 برادر دجگ برادران هجگ را نیز در تحقیق خود مورد بررسی قرار می داد؛ کاری که هیمر نکرد. دکتر باین می گوید: اگر هیمر برادران دجگ آن هجگ ها را مورد بررسی قرار می داد نشان می داد که چیز دیگری به غیر از ژن ها مسبب گرایش جنسی بوده است.

مؤسسه ملی سرطان^{۳۹} اسپانسر این تحقیق بود که چهارصد و نوزده هزار دلار از پول مالیات دهندگان امریکا را مصرف کرد. مؤسسه ملی بهداشت^{۴۰} دفتر بررسی صحت تحقیقات^{۴۱} اتهام نادیده گرفتن شواهد علمی مخالف فرضیه شخصی را درباره هیمر مورد بررسی قرار داد. اما در نهایت شگفتی این مؤسسه هرگز نتایج این بررسی را فاش ننمود. با وجود این، رسانه ها نتایج تحقیق هیمر را که هنوز صحت آنها ثابت نشده بود در بوق و کرنا کردند. نکته دیگری که تحقیقات هیمر هجگ را زیر سؤال می برد این است که بنا بر استانداردهای علمی که تأکید دارد هر تحقیقی باید چندین بار تکرار شود و نتیجه مشابه بدهد تا به رسمیت شناخته شود بارها دانشمندان دیگر سعی کردند تحقیق وی را تکرار کنند اما هرگز به نتایج وی دست نیافتند.

در سال ۱۹۹۹ دکتر جرج رایس و دکتر نیل ریش و دکتر جرج ای برز^{۴۲} سعی کردند تحقیق هیمر را تکرار علمی کنند لیکن به این نتیجه رسیدند: ما نتوانستیم دلیلی برای اثبات ارتباط محل مربوط به Xq28 با هجگ بودن مردان بیابیم. آنان نتایج تحقیق خود را در نشریه علمی Science چاپ کردند. علاوه بر این آنان گفتند که وقتی که گروه دیگری از محققین (سندرز و همکاران) تلاش کردند تا تحقیقات هیمر را تکرار علمی کنند آنان نیز نتوانستند یک سبب ژنتیک برای هجگ بودن بیابند.

³⁷ - Hamer

³⁸ - Dr. Byne

³⁹ - National Cancer Institute

⁴⁰ - The National Institutes of Health

⁴¹ - Office of Research Integrity

⁴² - Drs. George Rice, Neil Risch and George Ebers

آنچه ما در این نوشتار عرضه کردیم صرفاً نمونه هایی بود از تحقیقات به اصطلاح علمی ای که توسط دانشمندان دیگر زیر سؤال رفته است و از لحاظ روش ناصحیح شناخته شده یا مشتبه جلوه داده شده است یا ... لیکن بوسیله رسانه ها و اصحاب رسانه، توسط برخی پزشکان و روانپزشکان و روانشناسان نادان یا وظیفه شناس یا مغرض به مردم دنیا به عنوان تحقیقات علمی و مدرک و سند عرضه شده است!... و متأسفانه این عدم مسئولیت پذیری و سوء نیت و ... نه تنها در حال نابود کردن مردم عادی در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته است بلکه به آرامی اما بطور حتم در حال فاسد کردن برخی مردم کشورهای بااصطلاح کمتر توسعه یافته نیز هست؛ خاصاً آن دسته از افرادی که کورکورانه تفوق و صداقت علمی بااصطلاح دانشمندان آن بااصطلاح کشورهای توسعه یافته را می پندارند...!!!

در نظر داشته باشیم که قرآن کریم امر می فرماید:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بَنِيًّا فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ" ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید، مبادا از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید، آن گاه از کاری که کرده اید پشیمان شوید.^{۴۳}

و همچنین می فرماید:

"كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ"

هر فردی در گرو اعمال خویش است.^{۴۴}

موضوع دیگری که باید به خاطر داشت اشکال نادر معلولیت های جنسی ست. برای مثال: "Inters ex در انسان ها ... گونه ای ست در ویژگی های جنسی شامل کروموزوها، غده های جنسی یا تناسلی که اجازه نمی دهند فرد مشخصاً مذکر یا مؤنث باشد."^{۴۵}

این به این معناست که برای مثال نوزادی با اندام تناسلی بیرونی اما با رحم و تخمدان درون متولد می شود یا نوزادی با رشد ناقص یا غیرعادی ارگان های تناسلی متولد می شود. چنین معلولیتی بسیار نادر است:

طبق گفته لئونارد ساکس روانشناس آمریکایی و پزشک خانواده باید "محدود به شرایطی و مواردی باشد که در آن جنسیت کروموزومی متناقض است با جنسیت رخ مانه ای یا در مواردی که رخ مانه در گروه مذکر یا مؤنث قابل دسته بندی نیست"، حدود ۰٫۰۱۸ درصد^{۴۶}

^{۴۳} - سوره حجات (۴۹) آیه ۶

^{۴۴} - سوره مدثر (۷۴)، آیه ۳۸

^{۴۵} - مونی Money، جان John؛ اهارث Ehrhardt، آنکه ای Anke A (۱۹۷۲)، مرد وزن پسر و دختر Girl & Woman Boy & Man. نشر

دانشگاه جان هاپکینز به نقل ویکی پدیای انگلیسی

^{۴۶} - ساکس، لئونارد (۲۰۰۲). " رواج inters ex چه میزان است؟ پاسخی به آنه فوستو-استرلینگ"، مجله تحقیقات جنسیت ۳۹ (۳): ۱۷۴-

۱۷۸. به نقل از ویکی پدیای انگلیسی

اما افرادی که عنوان transgender یا transsexual به آنها داده شده است افرادی هستند از لحاظ فیزیکی سالم که ادعا می کنند در خصوص جنسیت خود ناآرامی و ملالت^{۴۷} دارند. یعنی برای مثال فردی جنس مؤنث سالم است اما تمایل دارد مرد باشد. چنین فردی از لحاظ جسمی سالم است اما از لحاظ ذهنی سردرگم و پریشان است. چنین پریشانی هایی ریشه در خانواده ها، جوامع و ... دارد. البته وسوسه های شیاطین ریشه اصلی آن است. متأسفانه علاوه بر رسانه های بین المللی برخی که با خود عناوین پزشک روانپزشک یا روانشناس را به یدک می کشند این آتش را شعله ورت می کنند و بر سردرگمی و پریشانی چنین افرادی می افزایند. برای مثال به علائم و شرایط مبهم خاص نظیر عدم تعادل هورمونی اشاره می کنند که این عدم تعادل هورمونی در دنیای امروز با وجود هورمون های موجود در گوشت، شیر، سبزیجات، مکمل های رژیمی مصرف شده و ... در بسیاری از زنان و مردان کاملاً رایج و عادی است!

بیا بید با هم نگاهی بیاندازیم به تعریف ارائه شده توسط شورای مجمع پارلمانی اروپا^{۴۸} در این خصوص: " Transsexuality ... ، پدیده ای است که فرد جنسیت روشن و آشکاری دارد اما احساس می کند متعلق به جنس مخالف است و در نتیجه آماده است تا تحت عمل مداخله ای قرار بگیرد تا جنسیت طبیعی خود را تغییر دهد."!!!

علی رغم چنین تعاریفی کشورهای باصطلاح توسعه یافته و آزاد در تلاش برای قانونی سازی چنین اعمال مداخله ای هستند. یعنی برای مثال یک مرد از لحاظ جسمانی نرمال فقط برای اینکه دوست دارد می تواند هورمون های زنانه مصرف کند تا موهایش اندک شود و... و تحت اعمال جراحی پلاستیک و دردناک قرار گیرد تا در ظاهر شبیه یک زن شود!!! توجه داشته باشیم که در چنین جراحی هایی جنسیت فرد به هیچ عنوان عوض نمی شود بلکه ارگان های جنسی خارجی برداشته می شوند و با استفاده از بافت ها و چربی ها و پوست و ... از جای دیگری از بدن سینه ها ساخته می شوند و ... یعنی مرد تبدیل به زن نمی شود بلکه فقط به ظاهر شبیه به زنی - معمولاً غیرجذاب - می شود و چون چنین افرادی از لحاظ ذهنی سردرگم و پریشان هستند بسیاری از آنها دست به خودکشی می زنند .

طبق یک مطالعه جدید منتشر شده در اکتبر ۲۰۱۰ حدود ۴۱ درصد transgender ها در ایالات متحده دست به خودکشی زده اند و بسیاری از آنها پس از جراحی های دردناک و بزرگ متعدد پشیمان شده اند... اما چه سود! فردی که ارگان های تولید مثل و جنسی خود را از دست داده است حداکثر می تواند چند جراحی پلاستیک دیگر انجام دهد اما هرگز نمی تواند به جنسیت طبیعی خود بازگردد...

⁴⁷ - dysphoria

⁴⁸ - Council of Europe, Parliamentary Assembly, Report Doc. 13297, 6 September 2013

والث هير⁴⁹ نويسنده امريكايي⁵⁰ كه خود تحت جراحي معكوس و پشيماني قرار گرفته است مي گويد: " من سال ها بود كه پشيماني بسياري ابراز مي كردم در حالي كه هر فردي در رسانه ها مي گويد پشيماني اندك است. مركز جراحي The Belgrade Center for Genital Reconstructive Surgery مي گويد كه 1500 درخواست جراحي بازگشتي دريافت کرده اند. اگر پشيماني تغيير جنسيت چنين نادر است چرا جراحان جراحي بازگشتي و معكوس هم ارائه مي دهند؟ البته كه پاسخ آشكار است: پشيماني از تغيير جنسيت به هيچ وجه نادر نيست."

بسياري از دانشمندان نظير دكتور مارك ديال ورث⁵¹ كه در روانشناسي باليني مدارج عالي تحصيلي كسب کرده است و عضو نظام پزشكي ايالت فلوريداي امريكا ست و بيش از سي سال است كه در مطب خويش فعال است و عضو هيئت رئيسه انجمن ملي تحقيق و درمان همجنسگرائي⁵² بوده است و عضو پزشكي آن است و در حال حاضر نيز هماهنگ كننده شبكه مشاوران حرفه اي اميد براي همه⁵³ است و عضو انجمن امريكايي ازدواج و خانواده درمانی⁵⁴ است و عضو انجمن روانشناسي امريكاست⁵⁵ بر روي افراد داراي homos exuality يا transg enderism ناخواسته در سراسر جهان از طريق مطب و تلفن و اسكاپ و ... كار کرده است. او با موفقيت درمان جبراني را امتحان کرده تا به اين افراد كمك كند از سردرگمي و پريشاني ذهني شان بهبود يابند. در حالي كه لذت هاي طبيعي عطا شده توسط خدای متعال وجود دارد هرگونه انحراف غيرطبيعي وسوسه شيطاني ست. همواره اين حديث ژرف و گران قدر امير المؤمنين حضرت علي عليه السلام را در قلب و ذهن خود حفظ كنيم :

"آن كه عقلش بر هوشش غلبه كند وراي فرشتگان است اما آنكه هوشش بر عقلش غلبه يابد پايين تر از حيوانات است."⁵⁶

شايد تذكراست كه معلوليت هاي جنسي مقوله اي كاملاً متفاوت است از موضوع homos exuality, transg enderism و ...؛ اما متأسفانه در بسياري از موارد آن باصطلاح homos exuals و- از لحاظ احساسی، جسمی و ...- از افرادی با چنين معلوليت هايي سوء استفاده مي كنند. بايد به خاطر داشت كه چنين معلوليت هايي - مثل هر معلوليت ديگر- اغلب نتيجه عوامل متعدد و مختلفي نظير بيماري، حادثه، ناآگاهي خود فرد يا

⁴⁹ - Walt Heyer

⁵⁰ - Paper G enders

⁵¹ - Marc S. Dillworth, Ph.D

⁵² - the National Association for Research and Treatment of Homos exuality [NARTH]

⁵³ - Hope for Wholeness

⁵⁴ - American Association for Marriage and Family Therapy

⁵⁵ - American Psychological Association

⁵⁶ - وسائل الشيعه، فصل جهاد با نفس؛ ...

نسل های پیشین از بهداشت و... و تشعشات اتمی، آلودگی ها و ژن ها و است و قطعاً همه معلولیت ها موجب محدودیت های خاصی برای فرد دچار آن می شوند.

به هر حال، به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی به غیر از ارتباط طبیعی و شرعی بین زن و شوهر هیچ ارتباط دیگری جایز نیست و هیچ شرایطی موجب نمی شود این گناه بزرگ و چنین اعمال غیرطبیعی و حرام و شیطانی مجاز شمرده شود. امید است به حق محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین خداوند به همه بیماران صبر جمیل و اجر جزیل و به مصلحت خود اسباب گشایش عنایت فرماید.

همه ما باید هوشیار باشیم که به محض اینکه مقوله ای به عنوان تحقیق علمی آن هم از دنیای به اصطلاح پیشرفته به ما عرضه می شود با چشم و گوش بسته آن را نپذیریم چرا که چنانچه مشاهده شد بسیاری از این تحقیقات ممکن است از جانب معاندان، گمراهان و منحرفین و... با انگیزه های مادی، سیاسی و... و مهمتر از همه با انگیزه شیطانی پوشاندن حقیقت و در نتیجه حذف دین باشد. هرچند بسیاری از این دانشمندانها خود را یهودی یا مسیحی و... می نامند.

انسان ها با دور شدن از کلام الهی و تعالیم پاک و خالص انبیاء و اوصیاء علیهم السلام دچار چنین نکبت های شیطانی ای می شوند...

در ضمن توجه به این نکته لازم است که هرچه زمان پیش می رود و دنیا هر چه بیشتر غرق در جهالت دوری از خداوند می گردد اینگونه تحقیق نماها از سوی دانشمندانهای معاند بیشتر و بیشتر می شود و یافتن حقایق پنهان شده این تحقیق نماها هر روز سخت تر و سخت تر می گردد...

در کتب روایی چون بحارالانوار و... احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است با این مضمون که روزی معروف و منکر شناخته می شود لیکن به معروف امر و از منکر نهی نمی شود... و روزی امر به منکر و نهی از معروف می شود... و روزی معروف منکر و منکر معروف می شود...

بنابراین به جد مراقب تبدیل ارزش های والا و پاک الهی به ضد ارزش های شیطانی باشیم چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **"زمانی می آید که منکر معروف خواهد شد..."**

نکته دیگر اینست که در نتیجه سهل انگاری در اجرای حدود که انبیاء و اوصیاء علیهم السلام برای چنین گناهی تعیین کردند- حتی حدودی که در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان نیز هنوز موجود است- گناهکاران بی پروا شده و گناهان خانمان سوز در جامعه بشری اشاعه پیدا می کند؛ گناهی که امروزه سعی دارند اصلاً نام گناه را از روی آن بردارند و حتی وجهه مثبت به آن ببخشند.

شایان تذکر است که تا لحظه ای که نفس باقی ست برای توبه دیر نشده است و راه بازگشت وجود دارد... در کتب روایی چون ارشاد القلوب و فروع کافی و... به احادیثی اشاره شده است از جمله این نقل که مردی مرتکب این گناه شده بود و خدمت امیرالمؤمنین -حجت خدا بر روی زمین و وصی آخرین پیامبر خدا- آمد حضرت خواستند پرده پوشی کنند ولی او با احساس گناه شدیدی که داشت اصرار کرد تا حضرت حد را بر او جاری سازند. وی سختترین حد از چند حد مربوط به این گناه را برگزید تا شاید پاک شود. وقتی حضرت آماده اجرای

حد شدند آن مرد گناهکار رخصت خواست تا دو رکعت نماز بجا آورد. پس از نماز سجده شکر بجا آورد و شروع به گریه کردن نمود. در سجودش تسبیح می گفت و خدا را می خواند که بارِ إلهها من بنده و فرزند بنده تو هستم و پسر کنیز تو می باشم گنه کار و خطاکار چنین و چنان گناهی را انجام دادم اکنون به در خانه حجت تو و پیش خلیفه تو در بلاد تو آمده ام برای او پرده از روی جنایتم برداشتم. او چند مجازات و کیفر را برای من پیشنهاد کرد و من سخت ترین آن را برگزیدم. بارالها من مشکل ترین حد را انتخاب کردم پس درود بر محمد و آتش بفرست و آن را برای من سبب رهایی از دوزخ قرار ده.

امیر المؤمنین علیه السلام گریه کردند بعد توجهی به یارانشان کردند و فرمودند هر کس دوست دارد به مردی از اهل بهشت بنگرد پس به این مرد نگاه کند. بعد فرمودند: بلند شو ای مرد، خدا گناه تو را آمرزید و حدّ را از تو برداشت.

یارانش عرض کردند ای امیر المؤمنین سپاسگزاری می کنی خدا را در مقابل اینکه اقامه ی حدّ نشده. امام فرمودند: حدّی که برای خدای سبحان بر اوست آن حدّ به عهده ی امام معصوم است که اگر بخواهد حدّ می زند و گرنه او را می بخشد....

امروز یگانه حجت خدا و خلیفه او بر روی زمین حضرت مهدی علیه السلام است که امید است با توبه به درگاه خداوند و توسل به آن حضرت گناهان همه ما آمرزیده شود....

خداوندا ظهورش را محقق ساز؛ ظهور با شکوه گل نرگس که به دنبال آن گل مریم حضرت عیسی علیه السلام نیز فرود خواهد آمد و حقیقت آشکار خواهد شد و به برکت آن همه ناهنجاری ها، بیماری ها، فقر، ظلم و ستم و... از چهره زمین زدوده خواهد شد...

برای کسب اطلاعات بیشتر دوستانمان را به مطالعه [پاورقی کتاب اعترافات يك جاسوس انگلیسی](#) در همین زمینه دعوت می نمائیم.